

تحلیل گفتمان روایت دعبل خزاعی در بزرگداشت امام حسین علیه السلام و فضیلت گریه بر او

محمد سلیمانی^۱، محمد مهدی آجیلیان مافوق^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۲ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۰۳)

چکیده

تکریم دعبل خزاعی به جهت نصرت اهل بیت علیهم السلام در زبان و عمل و درخواست امام رضا علیه السلام از وی در تداوم مرثیه سرایی و تأکید بر حفظ گفتمانی حادثه عاشورا در زبان شعر و ذکر سرور دشمنان و حزن اهل بیت علیهم السلام در رثای امام حسین علیه السلام، نشان از تقابل گفتمانی و اهتمام ویژه امام رضا علیه السلام در بزرگداشت و تأکید بر بکاء بر امام حسین علیه السلام و احیای فرهنگ عاشورا است. نوشتار حاضر با کاربست روش تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل ساختار متنی حدیث در سطح توصیف، کشف دلالت‌های کاربرد شناختی گفتمان در سطح تفسیر و جنبه های تقابل گفتمان امام رضا علیه السلام در برابر گفتمان‌های رقیب در سطح تبیین، به تحلیل گفتمان روایت می‌پردازد. بر اساس نتایج این پژوهش، اشراف کامل امام رضا علیه السلام بر گفتمان رقیب، ترغیب شیعیان به دفاع فرهنگی، ابداع دو قطبی حقیقی در برابر دو قطبی‌های کاذب، بصیرت افزایی نسبت به نقشه‌های بنی‌امیه و بنی‌عباس، کادرسازی شیعیان خالص در مقام عمل، یادآوری رمز وحدت، انسجام و پویایی شیعه و اسلام در پرتو ذکر قیام امام حسین علیه السلام و ...، با گفتمان کاوی این روایت مشخص می‌گردد.

کلید واژه‌ها: گفتمان کاوی انتقادی، دعبل خزاعی، بکاء، عاشورا، مرثیه.

ms_baran90@yahoo.com

majilian@shirazu.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه شیراز، شیراز، ایران؛

۲. استادیار بخش علوم قرآنی و فقه دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول)؛

۱- بیان مسأله

حضور دعل خزاعی با دعوت امام رضا علیه السلام و با هدف ترویج گفتمان حقانیت امامت و احیای فرهنگ عاشورا در تقابل با گفتمان دشمنان اهل بیت علیهم السلام و بیان آثار و برکات عزاداری و بکاء بر مصائب امام حسین علیه السلام، با نظر به اقتضائات و شرایط خاص فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن عصر باید تحلیل شود. نقطه تمرکز در این پژوهش، تحلیل گفتمانی این روایت با هدف واکاوی علت فراخوان دعل و تحلیل گفتمان کلام امام رضا علیه السلام و تقابل گفتمانی بیان شده در این حدیث و ریشه‌یابی علل تأکید امام رضا علیه السلام بر بزرگداشت قیام حسینی و برگزاری جلسات عزاداری و بکاء بر امام حسین علیه السلام است تا مشخص گردد که چه شرایط زمانی و مکانی و چه بسترهای فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در شرایط عصر حضور امام رضا علیه السلام و در تقابل با حکومت عباسیان و نیز فرقه‌های مختلف، سبب‌ساز برگزاری این جلسه و صدور این حدیث بوده است. در سایه این تحلیل گفتمان، باید دید شاخصه‌های گفتمان غالب زمان امام رضا علیه السلام و ابعاد پنهان و ناگفته این متن، شامل چه مواردی هستند؟

پژوهش حاضر می‌کوشد با استفاده از روش تحلیل گفتمان، نخست تحلیلی از ساختار زبانی روایت ارائه دهد، سپس دلالت‌های سطح کاربرد شناختی مربوط به روایت را بررسی کرده و در نهایت انگیزه‌ها و جریان‌های گفتمانی غالب و فضای زیر متن روایت را از منظر گفتمانی بررسی کند.

۲- مقدمه

عنایت و همت ویژه امام رضا علیه السلام جهت اقامه عزاداری و احیای فرهنگ قیام حسینی در قالب مجلس سوگواری، برای زنده نگه داشتن نام و یاد امام حسین علیه السلام و اهداف متعالی قیامشان، در راستای جریان‌سازی فرهنگی شیعی بوده است. امام رضا علیه السلام، علاوه بر

فرمایش احادیث فراوان در بیان شأن و جایگاه امام حسین (ع)، به طور خاص در ایام محرم، اقدام به برپایی مراسم عزاداری می‌کرد.

روایاتی که از امام رضا (ع) در رابطه با تعظیم شعائر حسینی و ذکر مصائب وارده بر اهل بیت (ع) نقل شده، در ترویج و موج آفرینی در اقامه عزای اهل بیت (ع)، جایگاه خاصی دارد و در میان این روایات، ماجرای سفارش‌های امام رضا (ع) به ریّان بن شیب و دعبل خزاعی نشانگر آن است که دستور به ذکر مصائب امام حسین (ع) و اقامه عزاء، بخشی از سیره فرهنگی اجتماعی و روند تبلیغی ایشان بوده است. امام رضا (ع) در روایت جان‌گذاری به ریّان بن شیب، علاوه بر ذکر ویژگی‌هایی از ماه محرم و بعضی اعمال مربوط به آن، ضمن ذکر بخشی از مصائب جدّ بزرگوارشان، توصیه‌هایی درباره چگونگی تعظیم حماسه حسینی و عزاداری برای امام حسین (ع) دارد. (عاملی، ۱۴/ ۵۰۲، مجلسی، ۹۸/ ۱۰۲)

ماجرای دعوت امام رضا (ع) از دعبل خزاعی نیز، که موضوع این پژوهش است، از روایاتی است که بر اهتمام ویژه ایشان به بزرگداشت قیام حسینی دلالت دارد و نوعی گفتمان‌سازی در برابر گفتمان جریان‌های رقیب است.

امام رضا (ع)، با دعوت از دعبل خزاعی به عنوان شاعر مدیحه سرای اهل بیت (ع) در جلسه‌ای در ایام ماه محرم، با حضور تعدادی از اصحابشان، به تمجید و تکریم او پرداخته و با تعبیر: «مَرْحَبًا بِكَ يَا دَعْبِلُ مَرْحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ: آفرین بر تو ای دعبل! مرحبا

۱. «قَالَ حَكِي دَعْبِلُ الْخَزَاعِيُّ قَالَ دَخَلْتُ عَلَى سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع فِي مِثْلِ هَذِهِ الْأَيَّامِ فَرَأَيْتُهُ جَالِسًا جُلُوسَ الْخَزِينِ الْكُتَيْبِ وَ أَصْحَابَهُ مِنْ حَوْلِهِ فَلَمَّا رَأَى مُقْبِلًا قَالَ مَرْحَبًا بِكَ يَا دَعْبِلُ مَرْحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ ثُمَّ إِنَّهُ وَسَّعَ لِي فِي مَجْلِسِهِ وَ أَجْلَسَنِي إِلَى جَانِبِهِ ثُمَّ قَالَ لِي يَا دَعْبِلُ أَحِبْ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامُ حَزْنٌ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَيَّامُ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَى أَغْدَائِنَا خُصُوصًا بَنِي أُمَيَّةَ يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى أَوْ أَبَكَى عَلَى مُصَابِنَا وَ لَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ يَا دَعْبِلُ مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَغْدَائِنَا حَسَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا فِي زُمْرَتِنَا يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى عَلَى مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ ع غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ الْبَيْتَهُ ثُمَّ إِنَّهُ عَ نَهَضَ وَ ضَرَبَ سِتْرًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَ حَرَمِهِ وَ أَجْلَسَ أَهْلَ بَيْتِهِ مِنْ وَرَاءِ السِّتْرِ لِيُبْكُوا عَلَى مُصَابِ جَدِّهِمُ الْحُسَيْنِ ع ثُمَّ أَلْفَتَنِي إِلَى وَ قَالَ يَا دَعْبِلُ ارْثِ الْحُسَيْنِ ع فَإِنَّ نَاصِرِنَا وَ مَا دَحْنًا مَا دُمْتَ حَيًّا فَلَا تُقْصِرْ عَنْ نَصْرِنَا مَا اسْتَطَعْتَ قَالَ دَعْبِلُ فَاسْتَعْبَرْتُ وَ سَأَلْتُ عَنْ بَرْتَنِي وَ أَنْشَأْتُ أَقُولُ: أَا فَاطِمُ لَوْ خِلْتَ الْحُسَيْنَ مُجَدَّلًا وَ قَدْ مَاتَ عَطْشَانًا بِسَطِّ فَرَاتٍ * إِذَا لَلَطَطْتَ الْخَدَّ فَاطِمَ عِنْدَهُ وَ أَجْرَيْتَ دَمْعَ الْعَيْنِ فِي الْوَجَنَاتِ * أَا فَاطِمُ قُومِي يَا ابْنَةَ الْخَيْرِ وَ انْدَبِي نُجُومَ سَمَاوَاتِ بَارِضٍ فَلَاهِ»

به یاور ما با دست و زبانش!» او را در کنار خود نشاند و از او خواست شعری در رثای امام حسین (ع) بخواند و با بیان «فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ أَيَّامُ حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَيَّامُ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيَّ أَعْدَائِنَا خُصُوصاً بَنِي أُمِّيَّة» این روزها روز اندوه ما اهل بیت است و روز شادی دشمنان ما به خصوص بنی امیه بوده است.»، ضمن یادآوری واقعه عاشورا، آثار و برکات برگزاری مجالس بزرگداشت و بکاء بر مصائب حضرت امام حسین (ع) از جمله: مأجور بودن نزد خداوند متعال، محسورشدن با اهل بیت (ع) و بخشش گناهان را یادآور شد و سپس پرده‌ای در میان مردان و اهل حرم زد و اهل بیتش را پشت پرده نشانید تا در مصیبت جدّ خود امام حسین (ع) بگریند. آنگاه به دعل فرمود: «إِثْرُ الْحُسَيْنِ: برای حسین مرثیه بخوان.» در ادامه امام رضا (ع)، ضمن بشارت بر ناصر و ماح بودن دعل خزاعی تا پایان عمر، از دعل خزاعی در تداوم نصرت اهل بیت (ع) در بیان مصائب اهل بیت (ع) در قالب ادبی شعر، تعهدی تاریخی گرفت که تا می‌تواند از یاری اهل بیت (ع) کوتاهی نکند. (مجلسی، ۴۵ / ۲۵۷-۲۵۸)

۳- پیشینه پژوهش

در بُعد روش‌شناسی کاربرد تحلیل گفتمان در خوانش روایات امام رضا (ع) و نیز در بُعد موضوعی در رابطه با تحلیل روایات و اشعار دعل خزاعی، می‌توان به پژوهش‌های انجام شده زیر اشاره کرد:

الف) پیشینه روش‌شناسی در استفاده از روش گفتمان کاوی انتقادی در تحلیل روایات اهل بیت (ع):

۱. در مقاله‌ای، دیدگاه‌های کلان مطرح شده در خطبه امام رضا (ع) در خصوص امام و امامت را با روش «پدام» تحلیل شده و گفتمان ایشان را نشانگر وجود «نظریه کلان امامت» در حوزه حاکمیت اسلامی می‌داند. (بشیر، ش ۴، ۲۹-۵۷)

۲. پژوهش دیگری، با بررسی نشانه‌های گفتمانی مناظرات امام رضا (ع)، نحوه به چالش انداختن هژمونی گفتمان حاکم را، با مفصل‌بندی دال‌های حول دال مرکزی امامت، به عنوان گفتمان رقیب تحلیل کرده است. (مقدس، ش ۱۴، ۶۳-۸۹)

ب) پیشینه موضوعی شخصیت‌شناسی و بررسی روایات و اشعار دعبل خزاعی

۱. در مقاله‌ای، ضمن بررسی دوران حیات دعبل بیان نحوه شهادت و نظر شاعران دیگر نسبت به او و حیات سیاسی دعبل خزاعی و تشیع، ادله آن و شخصیت شاعر پرداخته است. (میرحسینی و همکاران، ۱۱۵-۱۳۴)

۲. پژوهش دیگری، با بررسی اصول رویکردهای احتجاجی و گرایش غالب دعبل در استفاده از زبان شعر، قدرت استدلال منطقی و تکیه او بر اقناع عقلی مخاطب را در خدمت هدف سیاسی او در دفاع از مکتب اهل بیت (ع) معرفی کرده است. (رضایی و همکار)

در اکثر پژوهش‌های فوق‌الذکر، تحلیل عمدتاً ناظر به گفتمان کاوی تاریخی بوده و یا به سه سطح گفتمان کاوی انتقادی نرسیده است. وجه نوآوری این پژوهش نسبت به این پژوهش‌ها، نگاه جزئی‌تر در ابعاد سه گانه روش تحلیل گفتمان و واکاوی ابعاد لایه‌های پنهان متن برای دستیابی به دلالت‌های عمیق‌تر سطح کاربردشناختی و تبیین تأثیر بافت متن و بافت موقعیتی (عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تاریخی و روانشناختی) بر روی گفتمان غالب و شرایط صدور «حدیث دعبل خزاعی در بزرگداشت و بکاء بر امام حسین (ع)» و ارائه خروجی‌های گفتمان ساز آن است.

۴- چارچوب نظری بحث

۴-۱. تحلیل گفتمان

واژه گفتمان^۱، در لغت، به معنی «گفتگو و محاوره» (بشیر، ۹) و در اصطلاح، «مجموعه عناصر، لوازم و شرایطی است که چنانچه گرد هم آیند متن را به وجود می‌آورند.» (آقا

1. Siscourse

گل‌زاده، ۴۶-۵۷)

«تحلیل گفتمان»^۱ در لغت به معنای «سخن کاوی و تحلیل گفتار» (فرکلاف، ۸) و در اصطلاح، «مجموعه به هم تافته‌ای از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی (تولید، توزیع و مصرف متن) و متن است. (همو، ۸-۹) گفتمان‌کاوی با کشف معانی ظاهری و مستتر جریان‌های گفتمانی، معنای مرکزی متن را با هدف بررسی تأثیر آن در اجتماع بررسی کرده و با برش‌هایی افقی و عمودی در لایه‌های متن، ساختارهای خرد و کلان در سطح و عمق متن را از یکدیگر تفکیک کرده و در سطوح مختلف تحلیل می‌کند. (شکرانی و همکاران، ۷۶)

۲-۴. انواع تحلیل گفتمان

برای تحلیل گفتمان متون، از دو نوع تحلیل گفتمان تاریخی و انتقادی استفاده می‌شود:

۲-۴-۱. تحلیل گفتمان تاریخی^۲

در این رویکرد، متن در سطح کلان مؤلفه‌های تاریخی و شرایط زمانی و مکانی و با در نظر گرفتن نقش عوامل تاریخ‌ساز در تولید متن، بررسی می‌شود. این روش تحلیل، با مطالعه کلیه مطالب و اقوال و حوادث و رویدادهای مؤثر و عوامل دخیل در شکل‌گیری متون تاریخی در یک بستر زمانی مشخص، تأثیر هر یک از مؤلفه‌های گفتمانی را تحلیل می‌کند.

۲-۴-۲. تحلیل گفتمان انتقادی^۳

تحلیل گفتمان انتقادی، سیری تکوینی از تحلیل گفتمان در مطالعات زبان‌شناختی است که تحلیل گفتمان را از بُعد نظری و روش شناختی از سطح توصیف متون به سطح تبیین ارتقاء داده و گستره آن را از سطح بافت موقعیت فرد به سطح کلان جامعه، تاریخ و

1. Discourse Analysis
2. Historical discourse analysis
3. Critical discourse analysis.

ایدئولوژی وسعت می‌بخشد. (آقاگل‌زاده، ۸)

۴-۳. تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف

فرکلاف، این مدل را روشی می‌داند که برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار می‌رود. (Fairclough, p. 26) از منظر او، زبان، سازنده اجتماع و پدید آمده از روابط اجتماعی است و گفتمان، فرآیندی ارتباطی در دو چارچوب زبانی و چارچوب نوشتاری است. (یحیایی ایل‌های، ۵۸-۶۴) فرکلاف، تحلیل گفتمان انتقادی خود را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بیان می‌کند. (Fairclough, p. 26)

الف) تحلیل در سطح توصیف

در این مرحله، با بررسی ساختارهای زبانی و صرفی و نحوی و تحلیل دستور زبانی، فاکتورهای زبانی از متن استخراج می‌شود. (پارسا و همکاران، ۴۶۱) توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن و بررسی خرد لایه واژگان و تحلیل نشانه‌شناختی یافته‌های حاصله در سطح توصیف، معنای جهان‌شمول حاکم در لایه ژرف متن را مشخص می‌کند. (فرکلاف، ۱۷۱-۱۷۲)

ب) تحلیل در سطح تفسیر

تفسیر متن، شامل تحلیل کردار گفتمانی و در آن، بینامتنیت و اصطلاحاً نحوه تولید و مصرف متن تحلیل می‌شود. (پارسا و همکاران، ۱۴۶) فرکلاف، سطح تفسیر را ترکیبی از محتویات خود متن و ذهنیت مفسر می‌داند و مقصود از ذهنیت مفسر را دانش زمینه‌ای می‌داند که مفسر در تفسیر متن به کار می‌گیرد. (فرکلاف، ۲۱۵)

ج) تحلیل در سطح تبیین

مرحله تبیین، تحلیل متن از حیث کردارهایش از سطح خرد زبان‌شناختی، به سمت

تحلیل‌های کلان‌تر سیاسی اجتماعی است. (پارسا و همکاران، ۴۶۱) سطح تبیین، چرایی تولید متن را در ارتباط با عوامل جامعه‌شناختی، تاریخی، ایدئولوژی، قدرت و بافت فرهنگی اجتماعی جامعه توضیح می‌دهد. (شکرانی و همکاران، ۷۸) تبیین، با توصیف گفتمان، به‌عنوان بخشی از یک فرآیند و کنش اجتماعی، نحوه تعین بخشیدن ساختارهای اجتماعی و تأثیرات باز تولیدی منجر به حفظ یا تغییر آن ساختار را نشان می‌دهد. (فرکلاف، ۲۴۵)

۵- بررسی سندی روایت دعبل خزاعی

علامه مجلسی، این روایت را با عبارت: «أَقُولُ رَأَيْتُ فِي بَعْضِ مُؤَلَّفَاتِ الْمُتَأَخِّرِينَ أَنَّهُ قَالَ حَكِي دَعْبِلُ الْخَزَاعِيُّ قَالَ...» نقل می‌کند. (مجلسی، ۲۵۷/۴۵-۲۵۸) همان‌طور که مشخص است ایشان با اعتماد به اسنادی که این روایت را در آنها از تألیفات متأخرین دیده است نقل کرده و علیرغم اینکه در نزد او دارای اعتبار است، این روایت، ارسال در سند دارد و به تعبیری این حدیث، با استانداردهای علم الحدیثی ضعیف است ولیکن با استفاده از قاعده انجبار ضعف سند با عمل بزرگان و شواهد دیگر در کلام و فعل امام رضا علیه السلام در بزرگداشت قیام عاشورا و عزاداری بر امام حسین علیه السلام که مواردی از آن در ادامه ذکر می‌شود، ضعف سندی روایت قابل چشم‌پوشی بوده و مضمون روایت با روایات دیگر، تقویت می‌شود. البته اصل شعر دعبل در انتهای این حدیث، در منابع متقدم‌تری مثل: کشف الغمه فی معرفه الأئمه، نقل شده است. (اربلی، ۳۲۲/۳)

در بررسی سندی این روایت، باید توجه داشت که چهارچوب مذکور در روایت دعبل خزاعی در خصوص «بزرگداشت و بکاء بر امام حسین علیه السلام»، دارای مؤیداتی دیگر در سایر روایات امام رضا علیه السلام و سایر ائمه معصومین علیهم السلام است، از جمله: در روایت مشهور «ریان بن شبیب» که در زمینه ذکر بخشی از مصائب امام حسین علیه السلام، توصیه به عزاداری و بکاء بر امام حسین علیه السلام است. (ابن بابویه، ۱۲۸)

همچنین در روایتی از امام رضا (ع)، ضمن اشاره به عظمت روز عاشورا، بزرگداشت آن را از شعائر اسلامی دانسته و بر ضرورت حفظ آن تأکید می‌کند: «مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ قَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَ مَنْ كَانَ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ مَصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ بُكَائِهِ يَجْعَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَوْمَ فَرَحِهِ وَ سُرُورِهِ: هَر كَسٍ فِي رُوزِ عَاشُورَا فِي طَلَبِ نِيَاذَهَايِ خُودِ نَرُود، خُداوند نِيَاذَهَايِ دُنْيَوِي وَ اخِرَوِي وَي را برآورده می‌کند، و هر کس روز عاشورا روز مصیبت، اندوه و گریه‌ی او باشد، خداوند بزرگ روز قیامت را روز شادکامی و سُرور او قرار خواهد داد.» (ابن بابویه، ۲۲۷/۱)؛ امام رضا (ع)، در توصیه به گریه برای امام حسین (ع)، به میزان ثواب گریه در مصیبت آن حضرت اشاره کرده، می‌فرماید: «إِنْ بَكَيتَ عَلَى الْحُسَيْنِ (ع) حَتَّى تَصْبِرَ دُمُوعُكَ عَلَى خَدَيْكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ، صَغِيرًا كَانَ أَوْ كَبِيرًا، قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا؛ اگر بر حسین (ع) گریه کنی به طوری که اشک‌هایت بر گونه‌هایت جاری گردد، خداوند هر گناهی را که انجام داده‌ای، اعم از: کوچک یا بزرگ، کم یا زیاد، همه را می‌آمرزد.» (همو، ۲۶۸/۲)

در زمینه تشویق اهل بیت (ع) به شعر گفتن در رثای امام حسین (ع)، علاوه بر روایاتی که از جمله از امام صادق (ع) وارد شده است: «مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبُكِيَ وَ أَبْكِي بِهِ إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ غُفِرَ لَهُ؛ امام صادق (ع) به جعفر بن عفان فرمود: هیچ کس نیست که درباره حسین (ع) شعری بسراید و بگیرد و با آن بگریاند مگر آن که خداوند، بهشت را بر او واجب می‌کند و او را می‌آمرزد.» (طوسی، ۲۸۹) و یا در روایت: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ فِي النَّاسِ مَنْ يَفِدُ الْبَيْنَا وَ يَمْدَحُنَا وَ يَرْتِي لَنَا: خُدا را سپاس که در میان مردم، کسانی را قرارداد که به سوی ما می‌آیند و بر ما وارد می‌شوند و ما را مدح و مرثیه می‌گویند» (قمی، ۳۲۵). که تأکید بر مدح و مرثیه دارد؛ امام صادق (ع) بر حفظ نوحه‌خوانی سنتی تأکید دارد و در ضمن روایتی به ابی هارون مکفوف می‌فرماید: «عَنْ أَبِي هَارُونَ الْمَكْفُوفِ قَالَ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فَقَالَ لِي: انْشُدْنِي، فَأَنْشَدْتُهُ فَقَالَ: لَا، كَمَا تَنْشُدُونَ وَ كَمَا تَرْتِيهِ عِنْدَ قَبْرِهِ... ابوهارون مكفوف (نابینا) می‌گوید: خدمت حضرت صادق (ع) رسیدم. امام به من

فرمود: «برایم شعر بخوان». پس برایش اشعاری خواندم. فرمود: این طور نه، همان طور که (برای خودتان) شعرخوانی می‌کنید و همان گونه که نزد قبر حضرت سید الشهداء مرثیه می‌خوانی.» (همو، ۱۱۱)

از آنجایی که در برخی موارد مشابه این روایت، ملاک در اعتبارسنجی حدیث، تنها وثوق به اعتبار «سند» نیست، بلکه علاوه بر آن می‌توان از «وثوق صدوری» و یا «وثوق خبری» استفاده نمود، بر اساس این دیدگاه ممکن است حدیثی توسط راوی غیر ثقه و یا به صورت مرسل نقل شده باشد ولی برای حدیث‌پژوه اطمینان به صدور روایت از معصوم علیه السلام حاصل شود؛ به گونه‌ای که علمای رجال و اصول در مواردی که احتمال ضعف سندی در حدیثی را می‌دهند از قاعده‌ای به نام «انجبار ضعف سند با عمل مشهور» (زروندی رحمانی، ۶-۱۱) استفاده می‌کنند و به نوعی از یک سری قرائن و دلایل دیگری مثل مطالعات مضمونی و عمل اصحاب و... کمک گرفته می‌شود تا ضعف سند را جبران کند و به اعتبار سند اطمینان حاصل شود. در اینجا هم این قاعده، قابل تطبیق بر روایت مورد بحث است و با توجه به وجود شواهدی از عمل مشهور ائمه علیهم السلام و به ویژه امام رضا علیه السلام در مواردی که در بالا در خصوص تعظیم عزاداری برای امام حسین علیه السلام و بزرگداشت حماسه عاشورا اشاره شد و نیز وجود این حدیث در در منابع متقدم‌تری مثل «کشف الغمه فی معرفة الأئمة»، می‌توان یک اطمینان کلی نسبت به محتوای این حدیث پیدا نمود که می‌تواند قرینه خوبی برای انجبار ضعف سند باشد؛ از این جهت است که احتمالاً علامه مجلسی با مشاهده چنین مؤیدات دیگری در روایات از اهل بیت علیهم السلام در تأیید چهارچوب مذکور در روایت دعل خزاعی در خصوص «بزرگداشت و بکاء بر امام حسین علیه السلام»، روایت را بدون سند ذکر کرده است.

از سوی دیگر، از آنجایی که مهم‌ترین مبنای علامه مجلسی (ره) در تألیف بحار الأنوار، مبنای کتاب‌شناسانه او و به تأثیر از صاحبان کتب اربعه در منابع علم الحدیثی است، همان‌طور که در بررسی اعتبارسنجی روایات بحار الأنوار مشخص است، به پیروی از

دانشوران حدیث محور پیش از خود، روایات را براساس قرائن کتاب شناسانه، اعتبارسنجی می‌نموده و در بیشتر موارد، قرائن متنی را بر قرائن سندی ترجیح می‌داده است؛ همچنین با توجه به رویکرد «تحفظ بر متن حدیث و پرهیز از تأویل»، بدون دلیل کافی، انتساب احادیث به اهل بیت (ع) را نفی نمی‌کند. توجه به مبانی «تحفظ بر متن روایات»، «توجه به قرائن کتاب محوری» و «اولویت متن محوری بر سند محوری»، ملاک و معیار اعتبارسنجی روایات از سوی علامه مجلسی (ره) را براساس قرائن کتاب شناسانه، نشان می‌دهد. (قاسم‌پور و مختاری، ۱۴۳)

۶- تحلیل گفتمان انتقادی روایت دعبل خزاعی

الف) سطح توصیف

در «سطح توصیف» با توجه به ساختار صوری متن، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تقابل معنایی

امام رضا (ع)، با ذکر دو سوی جریان عاشورا «اهل بیت» و «اعدائنا خصوصاً بنی‌امیه» تقابل معنایی دوستان حق و دشمنان حق را نشان می‌دهد و همچنین ایام ماه محرم را، به عنوان «ایام حزن» اهل بیت (ع) در برابر «ایام سرور» دشمنان اهل بیت (ع) یاد می‌کند که باعث القای بیشتر وجه اهمیت عزاداری و یادآوری جنایات بنی‌امیه در واقعه عاشورا شود. در واقع، امام رضا (ع)، گفتمان اصلی خود و خط فکری و مبنائی اهل بیت (ع) را در برابر اسلام جعلی دشمنانشان و به ویژه بنی‌امیه و البته عباسیانی که به ظاهر خود را مخالف بنی‌امیه نشان می‌دهد ولی در حقیقت همچون بنی‌امیه در دشمنی آشکار با اهل بیت (ع) هستند را مشخص می‌سازد.

استفاده از بیان غیرمستقیم

امام رضا (ع)، با کاربرد لفظ «مَنْ» موصوله در فرازهای «مَنْ بَكَى أَوْ أَبْكَى»، «مَنْ ذَرَفَتْ

عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَعْدَائِنَا» و «مَنْ بَكَى عَلَى مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ (ع)...»، عمومیت این پیام را برای همه شیعیان در همه اعصار متذکر شده است. همچنین خطاب غیرمستقیم با «مَنْ» یا ضمیر «نا» درصدد جریان‌سازی و هویت‌بخشی به جریان مدافع اهل بیت (ع) است.

بهره‌گیری از ترکیب‌های اضافی و وصفی

استفاده از ضمیر «نا» در فرازهای (ناصرنا، کانت علینا اهل البیت، اعدائنا، مصابنا)، بیانگر آن است که امام هیچ‌گاه دشمنان را مقابل خود، به تنهایی فرض نمی‌کند، همان‌گونه که یاوران را صرفاً یاور خود نمی‌داند، بلکه با ضمیر «نا»، حقانیت اهل بیت (ع) پیش از خود را به حقانیت خود پیوند می‌زند و این‌گونه هم بر اعتبار خود می‌افزاید و هم حقانیت امام پیشین را اثبات و ظلم به آنان را محکوم می‌کند و با تعبیراتی چون «...نا اهل البیت» برای خود و پیروانش جریان مشخصی را ترسیم نموده و این جریان را از جریان بنی‌عباس که اصرار دارد امام را درون جریان خود تفسیر کند، بیرون می‌دارد.

انسجام واژگانی

«نُصْرَت»

«النَّصْر» و «النَّصْرَه» در لغت مترادف «العون» به معنای یاری و کمک است. (راغب اصفهانی، ۸۰۸)؛ امام رضا (ع) با ذکر «مَرْحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ» و «فَلَا تُقْصِرْ عَنْ نَصْرِنَا» درصدد بیان وجهی از یاری کردن اهل بیت (ع) در بُعد فرهنگی و تبلیغی در زنده نگه داشتن یاد و خاطره قیام حسینی در حوزه هنری در زمینه شعر است.

«شِعْر»

کلمه «شِعْر» که در اصل اسم است برای معرفت و آگاهی دقیق و ظریف. (همو، ۴۵۶) امام رضا (ع) با ذکر عبارت «يَا دُعْبَلُ أَحِبُّ أَنْ تُتَشِدَّنِي شِعْرًا» خواسته است از ظرافت این

هنر در پیام‌رسانی قیام عظیم عاشوراء و استفاده از عنصر عاطفه و احساسات در بیان ادبی، در رسالت تبلیغی استفاده نماید.

«حُزن»

«حُزن» به معنای دشواری در نفس است به جهت غم و اندوهی که در آن حاصل می‌شود. (همو، ۲۳۱) امام رضا (ع)، با نهادینه کردن ثبت تاریخی ایام عاشورا به عنوان ایام حزن اهل بیت (ع) در تقویم حافظه شیعیان و ارادتمندان اهل بیت (ع)، بزرگداشت این ایام و غم اهل بیت (ع) در خصوص این جریان را یادآور می‌شود.

«سُرور»

«سُرور» به معنای فرح و شادی که در قلب پنهان باشد. (همو، ۴۰۴) در مقابل حُزن اهل بیت (ع)، دشمنان اهل بیت (ع) و به ویژه بنی‌امیه، این ایام را «ایام سرور و تبریک و فرح خود» قرار دادند و با جشن گرفتن و ذکر جنایات خود، بر یکدیگر در اعمال وحشیانه‌ترین و ظالمانه‌ترین اقدامات ضد انسانی و ضد دینی خود افتخار می‌کردند.

«مَرثیه»

«رثاء» در لغت به معنای مرده سرائی و ذکر نیکی‌های او و همچنین شعر گفتن در باب مرده با تأسف است. (دهخدا، ذیل واژه «رثاء») سرودن «مرائی» در شهادت امام حسین (ع) بعد از وقوع حادثه کربلا آغاز شد و افرادی چون: «کمیت» (۱۲۵ ه.ق)، «حمیری» (۱۷۹ ه.ق)، «دعبل خزاعی» (۲۴۶ ه.ق) و «سید رضی» (۴۰۶ ه.ق)، در سده‌های اولیه مرثیه‌هایی در رثای شهدای کربلا سروده‌اند و بعد از ایشان نیز، روز به روز بر عده مرثیه سرایان افزوده شد تا اینکه این شعر در زبان و ادبیات فارسی و عربی راه یافت. (رزمجو، ۹۶-۱۰۰)؛ امام رضا (ع)، در فراز «قَالَ يَا دَعْبِلُ ارْثِ الْحُسَيْنِ (ع) فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَمَادِحُنَا مَا دُمْتَ حَيًّا» با فعل امر «إِثْ» مرثیه‌سرایی در رثای جدّ مطهرشان و بیان مصائب را به عنوان جلوه‌ای از برنامه فرهنگی تبلیغی خود در دفاع از کیان تشیع و اسلام راستین و وظیفه‌ای همیشگی برای امثال دعبل خزاعی ترسیم نمود.

«مدح»

«مدّاح» در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که در ایام ولادت‌ها و شهادت‌های ائمه اطهار (علیهم‌السلام) در مجالس جشن و عزا، به خواندن اشعاری در فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم‌السلام) یا در مظلومیت آنان می‌پردازد؛ امام (علیهم‌السلام)، در فراز «قَالَ يَا دُعْبِلُ ارْثِ الْحُسَيْنِ (علیهم‌السلام) فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَمَادِحُنَا مَا دُمْتَ حَيًّا»، مدح را در کنار نصرت اهل بیت (علیهم‌السلام) استعمال نموده و به گونه‌ای مداحی در رثاء و در فضائل ایشان (علیهم‌السلام) را بخشی از جریان نصرت برمی‌شمارد.

استفاده از سجع و نظم آهنگین

استفاده از کلام سجع گونه در دو عبارت «نَاصِرُنَا» و «مَادِحُنَا» در فراز «يَا دُعْبِلُ ارْثِ الْحُسَيْنِ (علیهم‌السلام) فَأَنْتَ نَاصِرُنَا وَمَادِحُنَا مَا دُمْتَ حَيًّا»، در صدد تأثیرگذاری بیشتر در مخاطب است. این دو تعبیر با عبارت مفهومی «مَا دُمْتَ حَيًّا» که با آهنگ و سجع در کلام سازگار است، به صورت مفهومی تأکید شده است؛ یعنی ناصر و مداح زمانی مطلوب است که مقطعی نباشد و در تمام عمر و نه بخشی از زندگی و شخصیت فرد باشد چنانکه امروز گفته می‌شود: فالانی پیر غلام اهل بیت (علیهم‌السلام) است، یعنی (مادام هو حیا)، ناصر اهل بیت (علیهم‌السلام) خواهد بود.

استفاده از باء مصاحبت (معیت)

امام رضا (علیهم‌السلام)، در عبارت «يَا دُعْبِلُ مَرْحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَلِسَانِهِ» با استفاده از "باء معیت"، همراهی و تبعیت از "ولایت" و نصرت ائمه (علیهم‌السلام) در زبان و عمل را، بهترین شاخص رفتاری مدعیان پذیرش ولایت اهل بیت (علیهم‌السلام) معرفی می‌کند، زیرا از نظر ایشان، صرف اقرار لسانی به محبت معصومین (علیهم‌السلام) تکمیل‌کننده ایمان حقیقی نیست بلکه باید با اعتقاد قلبی و عمل به ارکان هم همراه باشد. (ابن بابویه، التوحید، ۶۵)

ب) سطح تفسیر

در «سطح تفسیر» که مربوط به کاربردهای مربوط به بافت موقعیتی و دلالت‌های سطح کاربردشناختی گفتمان است، موارد زیر قابل بررسی است:

ابعاد شخصیت و زندگی دعبل خزاعی

محمد بن علی خزاعی معروف به دعبل خزاعی، شاعر معروف شیعی قرن دوم و سوم است. (امینی، ۲/ ۵۲۹) مدتی ولایت شهر سمنجان را بر عهده داشت. (حموی، ۲/ ۲۵۲) و با تهدید او توسط معتصم عباسی، به مصر گریخت. (الفاخوری، ۳۷۲) او از ارادتمندان اهل بیت (ع) و مدیحه سرایان ایشان بود و در طعن خلفای عباسی، شعرهای متعددی گفته و از این رو مورد تعقیب و تهدید مداوم آنان قرار داشت که در نهایت با نقشه قتل مالک بن طوق تغلبی در گذشت. (ابوالفرج اصفهانی، ۲۰/ ۱۴۶-۱۸۶) زمانی که امام رضا (ع)، از مدینه به خراسان آمد، دعبل، عازم زیارت امام رضا (ع) شد و در محضر امام رضا (ع)، قصیده تائیه‌اش را خواند. (مجلسی، ۴۹/ ۲۲۵) دیوان شعر دعبل، شامل حدود ۱۴۰۰ بیت شعر است. قصیده «مدارس آیات» دعبل در مدح اهل بیت که ۱۲۰ بیت دارد و از بهترین نوع مرثیه‌های سروده شده در این زمینه است. سروده‌هایش، از بارزترین جلوه‌های ادب پایداری در دفاع از اهل بیت (ع) و هجو دشمنان آنان بود. (محمدی؛ بازیار، ۹۲)

ماجرا چیست؟

در ماجرای حدیث مورد بحث در اینجا، امام رضا (ع) با نشان دادن دعبل در کنار خود و تعریف و تمجید وی در برابر اصحاب، او و سایر شیعیان را متوجه رسالت تاریخی و نقش آفرینی خود در بزرگداشت قیام حسینی در برابر دشمنان اهل بیت (ع) می‌کند. سخن از فضای گفتمانی این حدیث در شرایطی است که بعد از واقعه عاشورا، تمام تلاش بنی‌امیه و نیز بنی‌عباس بر فراموش سازی اهداف قیام حسینی و جنایات و فجایعی بود که بر امام حسین (ع) و اصحابشان و در ایام اسارت اهل بیت (ع) وارد شد؛ در حالی که تمام تلاش ائمه معصومین (ع)، قبل و بعد از شهادت امام حسین (ع) متوجه ذکر این واقعه عظیم بوده و با یادآوری این قیام، حکومت اسلام اصیل ولائی را، از اسلام دروغین و جعلی که توسط خلفای سه گانه و حکومت های بنی‌امیه و بنی‌عباس غصب شد تمیز داده‌اند: از جمله:

۱. گریستن و گریانندگان: این اقدام یکی از مؤثرترین تدابیر ائمه اطهار (ع) برای احیای

نهضت عاشورا و باعث بیداری عمومی و مانع از فراموش شدن نام و یاد شهیدان عاشورا بود. (عاملی، ۹۲۲/۲؛ مجلسی، ۱۰۸/۴۶)

۲. برپایی مجالس سوگواری: اقامه عزاداری رسمی و امر به اصحاب و شیعیان در خصوص سوگواری در مصیبت حسین علیه السلام و عرض تسلیت به یکدیگر، از دیگر راهکارهای اهل بیت علیهم السلام در این زمینه بود. (عاملی، ۳۹۸/۱۰)

۳. اهتمام ویژه به زیارت مرقد امام حسین علیه السلام: ائمه علیهم السلام در حدّ توان، به زیارت قبر امام حسین علیه السلام می‌رفتند و شیعیان را نیز برای رفتن به کربلا ترغیب می‌کردند. (مجلسی، ۷۲/۹۸؛ عاملی، ۳۳۰/۱۰)

۴. اهمّیت به تربت امام حسین علیه السلام: در تقابل بادشمنان که با تمام توان، می‌کوشیدند تا قیام امام حسین علیه السلام فراموش شود و حتّی اثری از قبر ایشان باقی نماند و حتی برخی خلفای عبّاسی بارها به ویران کردن قبر آن حضرت اقدام کردند؛ ائمه اطهار علیهم السلام، تربت حضرت امام حسین علیه السلام را قطعه‌ای از خاک بهشت، مایه شفای دردها، و موجب برکت زندگی معرفی می‌نمودند. (مجلسی، ۴۱۴/۱۰؛ عاملی، ۱۱۸/۹۸)

۵. یادآوری مصائب امام حسین علیه السلام: ائمه علیهم السلام سعی می‌کردند در مناسبت‌های مختلف و در شرایط متعدد، مصائب امام حسین علیه السلام را در مناسبت‌های مختلف یادآور شوند. امام صادق علیه السلام به داود رقی فرمود: «إِنِّي مَا شَرِبْتُ مَاءً بَارِدًا إِلَّا وَ ذَكَرْتُ الْحُسَيْنَ علیه السلام؛ من هرگز آب سرد ننوشیدم مگر این‌که به یاد امام حسین علیه السلام افتادم.» (ابن بابویه، ۱۴۲)

۶. تشویق شاعران به مرثیه سرائی در رثای اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام: تکریم شعراء و تشویق آنان از سوی ائمه اطهار علیهم السلام به سرودن اشعار عاشورایی، همواره مورد توجه ویژه بوده تا جایی که امام صادق علیه السلام به هارون مکفوف فرمود: «هرکس بر امام حسین علیه السلام مرثیه بخواند و ده نفر را بگریاند، پاداش او بهشت است.» (مجلسی، ۲۸۷/۴۴) امام رضا علیه السلام در مدینه، با یادآوری سیره پدرشان هنگام ورود به ماه محرم، شیعیان را به بزرگداشت چنین ایامی ترغیب و به واقعه عاشورا متوجه می‌ساخت. (عاملی، ۵۰۵/۱۰)

افراد حاضر در ماجرا و روابط اجتماعی مشارکت جویان مرتبط با گفتمان

اگرچه صدور این حدیث از سوی امام رضا (ع) به عنوان فاعل در فراخوان و مواجهه با دعبل خزاعی، شاعر مدیحه سرای اهل بیت (ع) بوده است ولی سیاق کلام ایشان در کاربرد لفظ «مَنْ» موصوله در فرازهای «مَنْ بَكَى أَوْ أَبْكَى عَلَى مُصَابِنَا وَلَوْ وَاحِدًا كَانَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»، «مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَى مُصَابِنَا وَبَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَعْدَائِنَا حَشَرَهُ اللَّهُ مَعَنَا فِي زُمْرَتِنَا» و «مَنْ بَكَى عَلَى مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ (ع) غَفَرَ اللَّهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»، عمومیت این پیام را برای همه شیعیان در همه اعصار شامل می‌شود تا با استفاده از زبان هنر و به ویژه شعر و برگزاری مجالس عزای امام حسین (ع)، احیاگر قیام حسینی و پیام‌های عاشورا و ذکر مصائبی که بر ایشان و یاران باوفایشان وارد شد باشند.

افراد مشارکت جو در این گفتمان، از یک سو حضرت امام رضا (ع) و دعبل خزاعی و از سوی دیگر اصحاب حاضر در خانه امام رضا (ع) در زمان وارد شدن دعبل خزاعی به خانه ایشان هستند. البته امام رضا (ع) با ابلاغ پیام خود در بیان عظمت و آثار و برکات عزاداری و بکاء بر مصائب امام حسین (ع)، کلیه شیعیان را مخاطب و به عنوان عنصر مشارکت جو در تحقق این گفتمان به‌شمار آورده‌اند. از طرفی تکریم دعبل در جمع اصحاب، یک نوع ایجاد جریان تبلیغی و به فعلیت رساندن ظرفیت پنهان سایر اصحاب ایشان در نقش آفرینی در ترویج فرهنگ عاشورایی در قالب زبان هنری شعر است. در بررسی دلالت‌های سطح کاربرد شناختی گفتمان این حدیث، می‌توان به اجمال به موارد زیر اشاره کرد:

۱. تکریم دعبل به‌عنوان شاعر و مدیحه سرای اهل بیت (ع)
۲. یادآوری ایام محرم و شدت مصائب امام حسین (ع) و اهل بیت ایشان و محزون بودن ائمه معصومین (ع) از بازخوانی این واقعه
۳. یادآوری سیره مستمر ائمه (ع) در حفظ و تقویت توجه به مسئله عاشورا
۴. یادآوری مسببین و عوامل جنایت عظیم علیه امام حسین (ع) و اصحابشان

۵. استفاده از نرم افزار زبان هنری «شعر» در جهت اقدامات فرهنگی «جهاد تبیینی» در مسئله عاشورا
۶. پایه‌گذاری و تقویت برگزاری جلسات عزاداری بر مصائب امام حسین (ع)
۷. بیان جدید از فضائل و آثار و برکات مترتب بر بکاء بر مصائب امام حسین (ع)
۸. استفاده از عنصر عاطفه و احساس در قالب ادبی شعر در تقویت «شور» حسینی در کنار «شعار» و «شعور» حسینی
۹. ایجاد انگیزه و ترغیب سایر اصحاب به نقش آفرینی در جهاد فرهنگی زنده نگه داشتن قیام عاشورا
۱۰. استفاده از فرصت بی نظیر تبلیغی در اختیار ایشان برای توسعه فرهنگ اسلام اصیل با بهره‌گیری از مسئله عاشورا

ج) سطح تبیین

- در این سطح فراتر از تاریخ، لایه‌های پنهان، پَسین و پُشت متن و به نوعی نیت خوانی از پشت پرده ذهنی مؤلف و گوینده کلام و در واقع یافتن ایدئولوژی‌های تاریخی و پنهان از دید عموم مفسران متون مورد نظر است. در خصوص روایت مربوط به دعبل خزاعی، در «سطح تبیین» می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
۱. اشراف کامل امام رضا (ع) بر گفتمان رقیب و ابداع دو قطبی حقیقی «ما اهل بیت و دشمنان ما» در برابر دو قطبی کاذب «ظالم: بنی امیه و مظلوم: بنی العباس»
- امام رضا (ع) در این روایت، در صدد مقابله با گفتمان رقیب هستند و در ذیل فراز «ایام سرور أعدائنا بالأخص بنوأمیه»، اشراف خود را بر گفتمان رقیب و نقشه‌هایشان برای پوشاندن نور قیام حسینی نشان می‌دهد و از طرفی «گفتمان مقاومت» را که شامل اهل بیت (ع) و یاران و اصحابشان است در مقابل این گفتمان، ترغیب و آماده به دفاع فرهنگی می‌کند. تقابل دوستان حق و دشمنان حق، در اینجا بسیار معنادار است.

در واقع امام یک دو قطبی برخلاف دو قطبی موجود در جامعه در ذهن مخاطب می‌سازد. دو قطبی موجود در جامعه، دو قطبی بنی‌امیه و بنی‌عباس است که یکی ظالم و دیگری ظاهراً مظلوم، یکی باطل و دیگری حق است. در اینجا امام رضا (ع) فراتر از سیاست بازی حکام بنی‌عباس و خصوص مأمون، دو قطبی ما اهل بیت و دشمنان ما که مقابل و در برابر ما صف‌آرایی می‌کنند را مطرح می‌کند و به عنوان مصداق از بنی‌امیه نام می‌برد که فعلاً خلع منصب شده و با تبلیغ جریان حاکم، ظالم محض شناخته می‌شود و تصریح به نام آن برای امام هیچ ضرر سیاسی ندارد اما با دقت، مشخص می‌شود که در دو قطبی امام (ع)، بنی‌امیه را صرفاً به عنوان مصداق ذکر می‌کند و قطب مقابل اهل بیت (ع)، هر کسی که در صفت ظلم و دشمنی با اهل بیت و شخص امام رضا (ع) قرار گیرد را شامل می‌شود که اینگونه مفهوم به بنی‌عباس هم تسری داده می‌شود و امام (ع) با این روش، خودش را از جریان ظالم دور می‌سازد و دوست دارانش را به تأسی از روش خود با عبارات «مَرَحَباً بِنَاصِرِنَا» و... سوق می‌دهد.

همچنین امام رضا (ع) به نوعی با گفتمان‌های رقیب انحرافی نظیر غلات در ارائه برداشت‌های نادرست از واقعه عاشورا مقابله نموده و ناب‌ترین تفسیر را از قیام عاشورا بیان و در برابر رواج شایعات و موارد ناصواب به حریم اهل بیت (ع) محافظت می‌کند. یکی دیگر از ابعاد سطح تبیینی تحلیل گفتمان سخن امام رضا (ع)، توجه به عنصر بصیرت‌افزایی و آگاه‌سازی نسبت به تلاش‌های پیدا و پنهان بنی‌امیه به‌طور خاص به عنوان جنایتکاران در واقعه عاشوراء و بنی‌العباس است که اگرچه اسم آنان در روایت به صراحت نیامده ولی مشمول «أعداء اهل بیت (ع)» محسوب می‌شوند.

۲. ترغیب شیعیان به دفاع فرهنگی

از آنجایی که تلاش دشمنان اهل بیت (ع) در جهت ضربات مداوم بر ائمه معصومین (ع) و غصب حق ولایت آنان و نیز امام رضا (ع) به دنبال ترغیب شیعیان به دفاع فرهنگی و یاری اهل بیت (ع) با دست و زبان هستند و در این مسیر، بهترین راهبرد فرهنگی را در احیای

گفتمان عاشورا و یادآوری ایام حزن اهل بیت علیهم السلام و سرور دشمنان و برگزاری جلسات عزاداری با تکیه بر عنصر عاطفه و احساسات در ایجاد هیجان مثبت در دفاع از حریم ولایت می‌داند و شیعیان خود را به برگزاری چنین جلسات و انسجام بیشتر برای اقدامات دفاعی فرهنگی مؤثر در برابر تهدیدات فرهنگی دشمنان ترغیب می‌کند.

۳. جریان‌سازی و کادرسازی جمعیت شیعیان خالص برای پیشبرد اهداف فرهنگی،

سیاسی و اجتماعی

تشکیل جبهه یاران خالص و جریان‌سازی سیاسی اجتماعی در بین شیعیان برای پیشبرد اهداف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی تشیع با تکیه بر گفتمان عاشورا از جمله اهداف امام رضا علیه السلام در شرایط عصر حضورشان و به ویژه در ساماندهی شیعیان برای شرایط حساس آینده است. از سوی دیگر دعوت به خروج شیعیان از شرایط تقیّه‌ای که گرفتار بخش‌هایی از بدنه جامعه تشیع شده و ایفای نقش مؤثرتر در پیشبرد اهداف فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مدنظر امام رضا علیه السلام، از قرائنی است که لزوم فعال‌سازی آن را در قالب جریان عزاداری برای اصلاح اجتماعی و اقامه امر به معروف و نهی از منکر، مشخص می‌سازد. امام رضا علیه السلام، در اینجا با فراهم دیدن شرایط سیاسی اجتماعی مساعدتر در زمان خود نسبت به سایر ائمه علیهم السلام، شیعیان را به خروج از آن حالت و ابراز علنی‌تر محبت به ساحت اهل بیت علیهم السلام با احیای قیام عاشورا فرامی‌خواند. هدایت جریان شیعی و زمینه‌سازی شکل‌گیری جمعیت شیعیان خالص در ارادت و یاری اهل بیت علیهم السلام در مقام عمل نه صرفاً در ادعای محبت و دوستی ایشان، یکی دیگر از ایدئولوژی‌های پنهان نهفته در متن این حدیث است.

تعبیر «ایام سرور دشمنان اهل بیت خصوصاً بنی‌امیه»، در این «سطح تبیین» قابل توجه ویژه است. در عصر امام رضا علیه السلام، این جریان سرور، در بین طرفداران بنی‌امیه هنوز زنده است و در این ایام آنان به رشادت‌های قوم خود و انتقام‌گیری از اهل بیت افتخار می‌کنند، امام رضا علیه السلام این‌گونه با برگزاری مجلس عزا و با دعوت پیروان خود به بزرگداشت مصیبت وارد در عاشورا، با این جریان به مقابله برمی‌خیزد؛ در واقع امام علیه السلام از همه ظرفیت موجود

برای پیشبرد فرهنگ اصیل مورد نظر جریان اهل بیت (ع)، جریان سازی اجتماعی و هویت بخشی به پیروانش در جایگاه ولایتعهدی بهره می برد.

۴. یادآوری رمز وحدت، ماندگاری و پویایی شیعه و اسلام در پرتو ذکر و الگوگیری از قیام امام حسین (ع)

رمز پویایی مداوم شیعه در اعصار مختلف و رمز ماندگاری تشیع و اسلام اصیل در پرتو یادآوری قیام امام حسین (ع) و اهداف و آرمانهای والای آن و نیز ذکر مصائب و ظلم هایی که بر خاندان عترت در واقعه عاشوراء وارد شد و نیز الگو قرار دادن قیام حسینی برای حرکت های سیاسی اجتماعی آتی شیعیان است که تفسیر واقعی فرمایش پیامبر اکرم (ص) در زمینه «أنا من حسین» است. همچنین، یادآوری محور وحدت امت تشیع بر مبنای دوستی و محبت امام حسین (ع)، یکی دیگر از ابعاد تبیینی تحلیل گفتمان این روایت است.

۵. آغاز فراخوان سرودن شعر عاشورایی توسط شاعران شیعی و استفاده از زبان هنر در ترویج فرهنگ عاشورایی

امام رضا (ع)، ظرفیت هنر و اهل آن و یک نوع فراخوان هنرنمایی در راستای برجسته سازی اهداف قیام حسینی و زنده نگهداشتن یاد امام حسین (ع) در زبان هنر و به ویژه در عرصه ادبیات و در قالب شعر، که زمینه پذیرش آن در آحاد جامعه وجود دارد، را به صحنه می آورد. زمینه سازی جهت ایجاد نهضت ادبی «شعرگفتمان امامت و ولایت» و فراخوان سرودن اشعار عاشورایی حول محور عزای امام حسین (ع) و اهل بیت شریفشان در جمع اصحاب و یاران و در کلیه اعصار و مکان هایی که ارادتمندان خاندان اهل بیت (ع) حضور دارند یکی از مهمترین جنبه های تبیین گفتمان روایت دعبل خزاعی است.

۶. تأیید مشی سیاسی دعبل خزاعی در برابر عباسیان و جریان سازی نهضت اعتراضی در قالب زنده نگه داشتن قیام حسینی

تکریم دعبل خزاعی در مجلس امام رضا (ع) فقط به دلیل تبحر وی در مدیحه سرایی و ذکر مناقب و بیان مصائب اهل بیت (ع) در قالب زبان شعر نیست بلکه با دقت در سخن امام

رضا علیه السلام مشخص می‌شود که نصرت او در حق ولایت که او را مستحق چنین استقبال و تکریمی نموده است استمرار دفاع از ولایت در مشی و سیره سیاسی دعبل و تلاش وی در اثبات حقانیت ولایت اهل بیت علیهم السلام و نامشروع بودن حکومت عباسیان است که گویا امام علیه السلام با این کار، خواسته اصحاب و شیعیان را متوجه سلوک سیاسی وی و تبعیت از او در جریان‌سازی نهضت اعتراضی علیه غاصبین حق ولایت در قالب زنده نگه داشتن قیام حسینی کند. از این رو، بازخوانی قیام عاشورا، تکرار غصب مقام خلافتی است که ظالمانه از اهل بیت علیهم السلام و به ویژه امام رضا علیه السلام انجام شده و این اقامه عزاداری برای امام حسین علیه السلام قرار است منجر به جریان‌سازی مؤثری در مطالبه حق حاکمیت سیاسی در انحصار اهل بیت علیهم السلام شود.

۷- نتایج مقاله

با تحلیل گفتمان انتقادی این روایت مشخص است حضور دعبل خزاعی با دعوت امام رضا علیه السلام و تکریم او با هدف ترویج گفتمان حقانیت امامت و احیای فرهنگ عاشورا در تقابل با گفتمان دشمنان اهل بیت علیهم السلام اعم از بنی‌امیه و بنی‌عباس صورت گرفت. بر این اساس، از مهمترین ابعاد ناگفته و پنهان متن این حدیث، می‌توان به نتایج زیر اشاره نمود:

۱. اشراف کامل امام رضا علیه السلام بر گفتمان رقیب.

۲. تلاش برای جریان‌سازی و کادر سازی برای پیشبرد اهداف فرهنگی، سیاسی و

اجتماعی

۳. ایجاد نهضت و آغاز فراخوان عاشورایی توسط شاعران شیعی و استفاده از زبان هنر

در ترویج فرهنگ عاشورایی

۴. تکیه بر رمز وحدت، ماندگاری و پویایی شیعه و اسلام بودن قیام عاشورا

۵. تأیید مشی سیاسی دعبل خزاعی در برابر عباسیان و نوعی جریان‌سازی نهضت

اعتراضی در قالب زنده نگه داشتن قیام حسینی

کتابشناسی

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی. الأمالی. ترجمه: چاپ اول، قم: مؤسسه البعثة، ۱۴۱۷ق.
۳. همو، التوحید. چاپ اول، تهران: نشر صدق، ۱۳۷۷ش.
۴. همو، علل الشرایع. النجف: منشورات المكتبة الحیدریه و مطبعتها فی النجف، بی تا.
۵. همو، عیون اخبار الرضا (ع). قم: انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۲ش.
۶. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد. کامل الزیارات، قم: مکتبه الصدوق، بی تا.
۷. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین. الأغانی. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۹۸۶م.
۸. اربلی، علی بن عیسی. کشف الغمه فی معرفه الأئمه. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۸۲ش.
۹. الفخوری، حنا. تاریخ ادبیات زبان عربی. ترجمه: عبدالمحمد آیتی، تهران: نشر توس، ۱۳۷۴ش.
۱۰. امینی، عبدالحسین. الغدیر. ترجمه: محمدتقی واحدی و علی شیخ الاسلامی، ویرایش: علیرضا میرزا محمد، تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۹۱ق.
۱۱. آقاگلزاده، فردوس. تحلیل گفتمان انتقادی. چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی با همکاری دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵ش.
۱۲. بشیر، حسن. «امام و امامت در گفتمان امام رضا (ع)». فصلنامه فرهنگ رضوی، دوره ۷، شماره ۴، ۱۳۹۸ش.
۱۳. کاربرد تحلیل گفتمان در فهم منابع دینی. چاپ اول، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ش.
۱۴. پارسا، فروغ و همکاران. معنائشناسی و مطالعات قرآنی. تهران: انتشارات نگارستان اندیشه، ۱۳۹۷ش.
۱۵. حرعالمی، محمد بن حسن. تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه. بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۱۶. حموی، یاقوت. معجم البلدان. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ش.
۱۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. مفردات ألفاظ القرآن. الطبعه الرابعه، المدینه: طلیعه النور، ۱۴۲۹ق.
۱۸. رزمجو، حسین. انواع ادبی. آستان قدس، تهران: آستان قدس، ۱۳۷۴ش.
۱۹. رضایی، رضا و رضایی، فاطمه. «احتجاجات دعبل خزاعی در دفاع از اهل بیت (ع)». مجله ادب عربی، شماره ۲، صص ۴۳-۶۰، ۱۳۹۴ش.
۲۰. زروندی رحمانی، محمد. «قاعده انجبار ضعف سند با عمل مشهور». فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، شماره پیاپی ششم، بهار ۱۳۹۶ش.
۲۱. شکرانی، رضا و همکاران. «بررسی روش گفتمان کاوی و چگونگی کاربرست آن در مطالعات قرآنی». فصلنامه پژوهش، شماره اول، صص ۹۳-۱۲۲، ۱۳۹۰ش.
۲۲. همو، «گفتمان کاوی و کاربرست آن در متون روایی». فصلنامه پژوهش، شماره دوم، صص ۷۱-۱۰۰، ۱۳۸۹ش.
۲۳. طوسی، محمد بن حسن. اختیار معرفه الرجال. چاپ اول، قم: مؤسسه آل البیت (ع)، ۱۳۶۳ش.
۲۴. فرکلاف، نورمن. تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها، ۱۳۷۹ش.
۲۵. قاسم پور، محسن و مختاری هاشم آباد، ابوطالب. «مبانی اعتبار سنجی روایات بحار الأنوار نزد علامه مجلسی». دو فصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، شماره هجدهم، صص ۱۴۳-۱۶۴، ۱۳۹۶ش.
۲۶. مجلسی، محمد باقر. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمه الأطهار (ع). تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۲۲م.

۲۷. محمدی، مجید و بازیار، عاطفه. «بررسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار رضوی دعبل خزاعی». مجله فرهنگ رضوی، شماره ۲۱، صص ۹۱-۱۱۲، ۱۳۹۷ ش.
۲۸. مختاری، قاسم و ابراهیمی، ابراهیم. «بینامتنیت قرآنی و روایی در شعر دعبل خزاعی». مجله پژوهش‌های ادبی قرآنی، شماره ۱، صص ۵۳-۷۶، ۱۳۹۲ ش.
۲۹. مقدس، محمود. «تحلیل مناظرات امام رضا علیه السلام بر مبنای نظریه گفتمانی لاکلاو و موفه». دوفصلنامه پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، شماره ۱۴، صص ۶۳-۸۹، ۱۳۹۹ ش.
۳۰. میرحسینی، محدثه. «دعبل خزاعی، شاعر شهیر اهل بیت علیهم السلام». مجله پژوهش در تاریخ، شماره ۲۰۳، صص ۶-۲۷، ۱۳۹۰ ش.
۳۱. یحیایی ایله‌ای، احمد. «تحلیل گفتمان چیست؟». مجله تخصصی تحقیقات روابط عمومی، شماره ۶۰، صص ۵۸-۶۴، ۱۳۹۰ ش.
32. Fairclough, Norman. 2003. *Analysing Discourse*. New York and London: Routledge.